

بحر طویل فارسی

حسن و الفتاری

این گفتار حاصل بررسی و تحلیل بیش از صد قطعه بحر طویل قدیم و جدید است و در ده بخش به قرار زیر تنظیم شده است:

- ۱- تعریف
 - ۲- وجه تسمیه
 - ۳- انواع بحر طویل
 - ۴- ویژگیها
 - ۵- تفاوت بحر طویل با مسقط
 - ۶- تفاوت بحر طویل با شعر نو
 - ۷- تاریخچه
 - ۸- موضوعات
 - ۹- سرایندهگان
- و در خاتمه چند نمونه بحر طویل



معلوم می‌شود که این گونه شعری جدای بحر طویل از بحر خلیل بن احمد عروضی مبتنی بر «فعلون مفاعیلین» (دوبار) است که عرب بدان اقبالی نام داشته است.

فارسی زبانان تقنی بدین قالب شعر گفته‌اند چون این قطعه از اخوان ثالث:

دگر ره شب آمد تا جهانی سیا کند
جهانی سیاهی تا با دلم چه ها کند
بیامد که باز آن تیره مفروش بگسترده
همان گوهر آجین خیمه‌اش را بیا کند.....

۲ - وجه تسمیه

در اولین نمونه‌های مکتوب بحر طویل عنوان بحر طویل دیده می‌شود بدون هیچ قید دیگر و علت تسمیه نیز افزونی ارکان و طویل تر شدن آن از حد معمول است. بعدها به تصور آنکه عوام موجد این گونه‌اند و همچنین اشتها آن در میان مردم خصوصاً منافق خوانها صاحب غیث اللغات^۲ (تالیف ۱۲۴۲ ق) آنرا بحر طویل نزد عوام «دانسته و بعدها علامه قزوینی (ف ۱۳۲۸ ق) صراحتاً آن را «بحر طویل عامیانه»^۳ نامید. اخوان ثالث^۴ ترجیح داده است به علت مشتبه نشدن با بحر طویل عرب آن را «بحر طویل فارسی» بنامید که حق هم چنین است.

۳ - انواع بحر طویل

الف - بحر طویلهایی که در ارکان هر بند آن نظم خاص عددی مشهود است مثل بحر طویل عصمت الله بخارایی (متوفی ۸۱۴/ق دیوان خطی آستان قدس ش ۴۷۱۹) که هر بند آن تکرار ۱۸ بار فعلاتن به طور منظم است و بحر طویل دیگر وی (دیوان خطی بریتیش موزیوم ش ۱۰۸۸/864 or) که تکرار ۹ بار فعلاتن است. برای نمونه:
«می‌کشد ترک کماندار مسلمان کش جادوی تو چون کافر مست
از مژه بر هر جگری تیر بلا را»

«شعری است به تسلسل که از توالی اختیاری یک رکن عروضی سالم خارج از سنت‌های مرسوم عروضی به وجود می‌آید» مثل این قطعه از جمال سویدا (قرن دوازدهم ه.ق) در تضمین غزل حافظ «الا یا ایها الساقی» به عارض ماه آفاقی، نظر بر تیره روزان کن، چراغ ما فروزان کن، به دست چون ید بیضا، سرمینای می بگشا، دماغ آشفته مخمورم، بده صهای پرزورم، یک امشب می‌یرستم کن، سیه مست الستم کن، مگر منصور دم کردم، به حق گویی علم کردم، به صحرای جنون تازم، به عالم شوری اندازم، نگاهم خون چکان گردد، نفس آتش عنان گردد، به هر جا بینم آهوپی، ز لیلی بشنوم بوپی، به هر جا لاله‌ای بینم، ز داغ عشق گل چینم، یکی از عقل می‌لافند، دگر طامات می‌بافند، مرا در عشق چون «حافظ» نیاید ناصح و واعظ، همان به کز خمار می، ترا گویم که پی در پی، برای این دل شیدا، پی این جان غم فرسا «ادر کاسا و ناولها»



تا کند زار و بهم برزده و مست و سنان خورده و مجروح و دل آزرده و افکار و جگر سوخته ما را» همچنین بحر طویل دانیال دولتخانی (زنده قبل از ۸۱۵ق) و حمدی (زنده قبل از ۸۴۴ق) و در تمامی این نمونه‌ها قافیه دو بند اول با بندهای زوج یکی است. ب- بحر طویل‌هایی که نظم عددی خاص در ارکان هر بند رعایت نمی‌شود و تعداد ارکان هر بند متغیر و بسته به کشش مطلب و کوشش شاعر است نظیر بحر طویل شاهدهای نیشابوری (زنده قبل از ۱۰۴۵- جنگ خطی دانشگاه تهران ش ۳۱۹۴ق) و بحر طویل جوهری (قرن سیزدهم ق) در معراج حضرت رسول (خطی دانشگاه تهران ش ۴۳۳۲):

«حیداً شاهسواری چو عشا عرش نگاری و ندای شب قدری که چنین مرتبه‌داری ز حضیض کره خاک بر این طارم افلاک به امر ملک قادر باری، چو دو ثلث از شب اسری بگذشت آمد ازین غزفه مینا به در حجره آن سید سالارو.....» تعداد بحر طویل‌های اخیر بیشتر و معروفتر است.

۴- ویژگیها

الف- بحر طویل یک قالب شعری است با این تفاوت که در قالب‌های دیگر شاعر مجاز است چهار یا هشت یا هشت رکن سالم یا غیر سالم در هر بیت به کار برد حال آن که یک بند بحر طویل می‌تواند ۲۰، ۴۰ یا ۱۴۰ (مثلاً بحر طویل جوهری خطی ش ۴۳۳۲ دانشگاه تهران) رکن عروضی سالم و یا بیشتر داشته باشد.

ب- در بحر طویل به مصراع «بند» گفته می‌شود.

ج- در بیش از ۸۰٪ بحر طویل‌های موجود ردیف «را» به عنوان جزء لایتغیر در پایان بند تکرار می‌شود که این خصیصه عیناً در «بند» عربی نیز دیده می‌شود. (رک موسیقی شعر صفحه ۵۰۱ به بعد). د- به جای وزن بحر باید از اصطلاح «سلسله ارکان» استفاده کرد چرا که بحر طویل تنها از یک رکن متوالی ساخته می‌شود و نه مزاحفات یک بحر و یا بحور مختلف الارکان.

ه. قدمای محققین بحر طویل را عامیانه خوانده‌اند (غیاث اللغات ذیل طویل) و به حق باید آن را در حوزه ادب عوام مطرح ساخت چرا که با پسندهای مردم در پاسخ به نیازهای مذهبی-دینی بسیار سازگار است. زبان بحر طویل ساده و بی‌تکلف است و مقید به حدی نیست، فضای لازم عروضی جهت بیان مطالب فراهم است، سجعها و عبارات مرصع و بی‌درپی خصوصاً وقتی با صدای بلند خوانده شود موجد آهنگ خوش می‌گردد.

و- در بحر طویل می‌توان از انواع آرایه‌های لفظی و معنوی و نکات معانی، بیانی و بلاغی به نحو آکمل سود جست. خصوصاً ترصیح، تسبیح، تجنیس، ایهام، مراعات نظیر، حسن مطلع، حسن مقطع، تلمیح، ملمع، تضمین، تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و خصوصاً تنسیق الصفات ز- تجربه بحر طویل به اقتباس از زبان فارسی توسط ادبای عراق وارد ادب عرب شده است و بسا همین خصایص عنوان «سند» گرفته تا آنجا که پایان بند (را) عیناً در پایان هر بند دیده می‌شود. قدیمی ترین نمونه از معنوق موسوی (۱۷۰۸/۱۰۸۷ق) است که چنین آغاز می‌گردد:

«ایها الراقد فی الظلمه نبه طرف الفکره من رقده ذی الغفلة و انظر اثر القدرة واجل غسق الحیره فی فجر سنا الخیره و ارن فلک الاطلس والعرش و ما فیہ من النفس.....»^۶
۵- فرق بحر طویل با مسمط:

در میان قوالب شعری، مسمط مسجع بسیار به بحر طویل نزدیک است این تشابه تا آنجا است که علامه شبلی نعمانی (ف ۱۳۳۲ ق) مسمط عبدالواسع جبلی را (ف ۵۵۵ق) که صراحتاً شمس قیس رازی^۷ (ف پس از ۶۲۸ق) آن را مسمط دانسته- بحر طویل انگاشته است.^۸

مسمط موصوف چنین آغاز می‌شود:
«ایا ساقی المدام، مرا بساده ده تسام
سمن بوی لاله فام، که تا من در این مقام
زغم یک نفس به کام، که کس را زخاص و عام
در این منزل ای غلام، امید قرار نیست»
و یا این نمونه از کمال فارسی (وفات ۸۴۸ق) که نجیب مایل هروی (معاصر) آن را بحر طویل دانسته است.^۹

| | | | |
|-----------|--------|-------|---------|
| «ای اصل | اسما، | فرعت | مسما |
| آلوانعما، | جان | و | دل |
| بردی | به | یغما، | ای ماه |
| لطفی | بفرما، | بگشا | معما |
| از | شام | ظلما، | آن چهره |
| | | | بنما |

| | | | |
|-----|-------------|-------|---------------------------------------|
| بس | بی‌نظیری، | بس | دلپذیری |
| بدر | منیری، | سلطان | و |
| ما | فی الضمیری، | دل | را |
| جان | را | خیری، | چون |
| | | | ناگزیری |
| | | | دستم |
| | | | نگیری، |
| | | | کافتاده از با..... الخ» ^{۱۱} |

در دو نمونه اخیر و نمونه‌های دیگر تعریف مسمط صادق است یعنی به جز بیت آخر بقیه ابیات متفق القافیه هستند و قافیه درونی بین پاره‌های هر بیت وجود دارد، حال آنکه بین پاره‌های بحر طویل سجع و ترصیع برقرار است و دیگر این که بحر طویل از مزاحفات یکی بحر یا از محور مختلف الارکان ساخته نمی‌شود در حالی که مسمط مسجع عبدالواسع در بحر مضارع مثنی مکفوف محذوف (مفاعیل فاعلن، مفاعیل فاعلن) و مسمط ابن غیاث در بحر متقارب مثنی ائلم (فاعلن فاعلن، فاعلن فاعلن) سروده شده است. اما بحر طویل از توالی یک رکن سالم عروضی ساخته می‌شود چنانکه: «پریشان دل مستمندان، همه محو و حیران، چو آینه بیجان، توشغول بازی، بهر لهوراضی چطور است و آیین، بعد این ز تمکین، ز جور تو خلقی، پریشان و ابتر»^{۱۳} که تکرار رکن فاعلن تا آخر بند است.

از مقایسه بحر طویل اخیر با دو نمونه مسمطی که گذشت متوجه قافیه درونی و کیفیت وزن آنها می‌شویم، چنانچه اگر مسمط کمال فارسی را پیوسته بنویسیم صورت بحر طویل به خود می‌گیرد. در غیر این صورت مجبور خواهیم شد مسمط منوچهری دامغانی^{۱۴} (۴۳۲ ق)، سنایی غزنوی^{۱۵} (۵۴۵ ق)، فرصت شیرازی^{۱۶} (۱۳۳۹ ق)، ناصر خسرو قبادیانی^{۱۷} (۴۸۱ ق) و بسیاری نمونه‌های دیگر را بحر طویل بدانیم!

۶ - تفاوت شعر نو با بحر طویل

در شعر نو نیز مانند بحر طویل قید تساوی افاعیل نیست از این جهت ممکن است که با بحر طویل مشبته شود اما باید توجه داشت که در شعر نو استقلال مصرعها توسط پایان بندی آنها رعایت می‌شود یعنی اگر یکی از اشعار نیما یا پیروانش بر وزن فاعلاتن بی هیچ سکون ادامه می‌یافت صورت بحر طویل به خود می‌گرفت در حالی که نیما در جایی با یک زحاف یا سکون این تسلسل را متوقف می‌کند و این خود سبب استحکام شعر است چنانکه:

یادم از روی سیه می‌آید و جای نموری
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
 در میان جنگل بسیار دوری
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

آخر فصل زمستان بود یکسر هرکجا در زیر باران بود^{۱۸}.
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

پس با این توصیف قطعه شعر «باران» گلچین گیلانی (معاصر) بحر طویل است نه شعر نو، چرا که رکن فاعلاتن بدون هیچ توقف یا زحاف در آن توالی دارد:

«باز باران، با ترانه باگهرهای فراوان می‌خورد بر بام خانه من
 به پشت شیشه تنها ایستاده، در گذرها، رودها راه افتاده، شاد و خرم، دو
 سه گنجشک پرگو.....»^{۱۸} الخ»



در شعر نو استقلال مصرعها توسط پایان بندی آنها رعایت می‌شود یعنی اگر یکی از اشعار نیما یا پیروانش در وزن فاعلاتن بدون هیچ سکون ادامه می‌یافت صورت بحر طویل به خود می‌گرفت در حالی که نیما در جایی با یک زحاف یا سکون این تسلسل را متوقف می‌کند.

زبان بحر طویل ساده و بی تکلف است و مقید به حدی نیست، فضای لازم عروضی جهت بیان مطلب فراهم است، سجعها و عبارات مرصع و بی‌درسی خصوصاً وقتی با صدای بلند خوانده شود موجد آهنگ خوش می‌گردد (ص ۲)



بحر طویل کوششی است در جهت بلندی و طول مصراعها خلاف مستزاد و هر دو نوعی خروج از بسنهای مرسوم ادب فارسی است. این تغییر در فرم (و تغییر در محتوی بحث دیگری است) و شکل قوالب و سیر تاریخی آنها تحقیقی جداگانه می‌طلبد خلاصه آنکه قبل از مستزاد و بحر طویل، مسمط اولین حرکت در جهت خروج از سنهای مرسوم بوده است با توجه به شباهت‌هایی که در بخش پنجم همین مقاله گذشت^{۲۶} بنظر می‌رسد بحر طویل صورت توسعه یافته مسمط باشد و آخرین تغییر فرم در شعر نو است که از جمله مقاصد نیما یکی گسستن قید ارکان و افاعیل بود، همچنانکه در بحر طویل شاعر از حدود متعارف عروضی بافراتر می‌گذارد. (البته با توجه به تفاوتی که در بخش ششم ذکر گردید.)

اما قدیم‌ترین نمونه موجود بحر طویل متعلق به جنگ خطی ش ۳۵۲۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با تاریخ ۸۴۴ ق است که دو بحر طویل از دانیال دولتخانی (قبل از ۸۱۴ ق) و حمدی (قبل از ۸۴۴ ق) در آن موجود می‌باشد و هر دو عنوان بحر طویل دارد. دیگر از نمونه‌های قدیم، قطعه مکتوب از سید عبدالعظیم مرعشی^{۲۷} (نیمه اول قرن نهم) و بحر طویل عصمت الله بخارایی (ف ۸۱۴ ق) است.

۸ - موضوعات

تمامی بحر‌ها با توحید و نعت حضرت رسول آغاز می‌گردد. قدیم‌ترین بحر طویل از حمدی در منقبت حضرت علی (ع) است و به طوری که از سخن سراینده معلوم می‌شود وی اولین کسی است که منقبت را در بحر طویل ریخته است:

«کس نگفته است «مناقب» به چنین بحر طویلی که بیک مصرع او فعلاتن دو ده و چهار بجز بنده حمدی که ز کیان و ز کاشانان و ز تبریز..... الخ»^{۲۸}

ذکر معراج رسول نبوی و شرح تمامی حوادث و وقایع معراج موضوع دیگری است که سراینندگان اقبالی بدان داشته‌اند چون رفعت سمنانی^{۲۹} (ف ۱۳۵۰ ق). جوهری^{۳۰} (ف ۱۲۵۳ ق) مجرمی^{۳۱} (سده ۱۱) و..... در عصر قاجار تعزیه خوانها و معین‌البکاها قطعات بحر طویل را در تعزیه وارد کردند و به حرفه خود رونقی خاص بخشیدند.^{۳۲}

موضوعات غنایی و مسایلی عشقی چون فراق، درد، سوز، وصال، مهجوری، داغ، غارتگری زلف، رقیب، خط و خال، معشوق سراپای نامه، پیریشانی، ایام شباب، غمگساری، حیرانسی و... در نمونه‌های اولیه دیده می‌شود چون بحر طویل دانیال دولتخانی - فایز - بحر طویل منسوب به صائب تبریزی^{۳۳} (ف ۱۰۸۰ ق) عصمت الله بخارایی - توفیق کشمیری^{۳۴} (ف ۱۲۰۰ ق) و..... در مراسم سخنوری^{۳۵} که تا سده اخیر در قهوه‌خانه اجرا می‌شده، نیز فرازهایی از قطعات بحر طویل استفاده می‌شده است. هدف از اجرای مراسم سخنوری اثبات حقایق شیعه بوده است.

طنز یکی دیگر از موضوعات رایج در بحر طویل است خصوصاً در سده اخیر که با رواج مطبوعات و آزادی افکار بحر طویل وسیله‌ای در جهت بیان مسایلی سیاسی و اجتماعی به شیوه فکاهی^{۳۶} است. البته در آثار قدیم‌تر بحر طویل ملمع سیدمهدی عرب (زنده ۱۱۰۵ ق) هم خالی از چاشنی طنز نیست چنانکه:

«انا فی وقت فسمین اخرج من خانه و اذهب الی جانب بازار و تماشیت بکل الطرف السوق و تناظرت الی الناس اذا کان رایت..... الخ»^{۳۷}

گاه شاعر واقعه و شرح احوال خود را در بحر طویلی ریخته و اظهار گله و شکایت می‌کند چون بحر طویل ساعی شیروانی^{۳۸} (عصر صفوی)، طرزی افشار^{۳۹} (زنده ۱۰۵۹ ق) بهگو^{۴۰} (قبل از ۱۲۱۲ ق) و...

۹ - سراینندگان

بیشترین استقبال از بحر طویل توسط شعرای غیرمشهور انجام پذیرفته است خصوصاً شاعرانی که در حوزه ادب علوم فعالیت داشتند. شاعران شبه قاره هند نیز توجهی به این گزینه داشته‌اند و این شیوه در آن ناحیه مورد توجه بوده است چنانکه حتی بندهایی هم به زبان هندی گفته شده است.

علاوه بر سرایندگانی که بنام آنها در متن اشاره نمودیم این شاعران را نیز می‌توان بر آنان افزود: محمدقاسم تونی^{۴۱} (قرن ۹ ق) شاهدی نیشابوری^{۴۲} (زنده ۱۰۷۷ ق) خاکی^{۴۳} (ف ۹۷۰ ق) شاه فاتح^{۴۴} (عصر صفوی) نباتی^{۴۵} (ف ۱۲۶۲ ق) عبدالعلی^{۴۶} (قرن ۱۱ ق) صامت بروجردی^{۴۷} (ف ۱۳۳۱ ش) و قطعات رموز حمزه^{۴۸} (تالیف عصر صفوی) نادام انصاری^{۴۹} (ف ۱۳۰۱ ق) مجتبی مینویی^{۵۰} (۱۴ ق) و.....

یک بند بحر طویل می‌تواند ۲۰، ۴۰ یا ۱۴۰ رکن عروضی سالم یا بیشتر داشته باشد (ص ۲)

اینک چند قطعه منتخب:

۱ - از رموز حمزه در وصف عمرو عیار:

«کهنه دزدی که ریاید ز شهان افسر شاهی و ز شب رنگ
سیاهی و فلوس از دم ماهی ز بقم سرخی ذاتی ز شکر طعم نباتی و ز
یک حبه دو دینار و ز یک وقیه دو خروار، حجر از دهن مار و اثر از
شرر نار، کیودی ز فلک گیرد و...»

۲ - از شاهدای نیشابوری:

«مشاء نشئه صهبای سخن نام کریمی است که در بزم کرم چیده
بساط طرب و شیشه ابرو خم گردون، گل ثابت و پیمانہ سیار و دف و
هاله و عود شب و جام شفق و... مرغابی موج و قدح دیده گرداب که در
حلقه پرگار سراسیمه کند باد صبا را»

۳ - از عصمت ا... بخارایی:

«رنگ رخسار و در گوش و خط و خد و فد و عارض و خال
لبت ای سرو پری روی سمن بر، شفق و کوکب و شام و سحر و طوبی
گلزار بهشت و هلال و طرف چشمه کوثر.

زیرنویسها

(۱) تسیهی، محمد حسین، تضمین غزل در بحر طویل، مجله وحد سال

۱۳۵۳/۱۲ ص ۸۶

(۲) اخوان ثالث، مهدی از این اوستا، ص ۸۸

(۳) غیاث‌الدین رامپوری، غیاث اللغات، تهران امیرکبیر ۱۳۶۶، ذیل طویل

(۴) یادداشت‌های علامه قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران علمی چاپ سوم

تهران، آگاه - ج سوم - ۱۳۷۰-۱۳۶۳ ج ۴ ص ۱۸

(۵) اخوان ثالث، مهدی، بدعتها و بدایع نیما، تهران، توکا.

(۶) شفیع کدکنی، دکتر محمد رضا، موسیقی شعر، ص ۵۶۰ به بعد

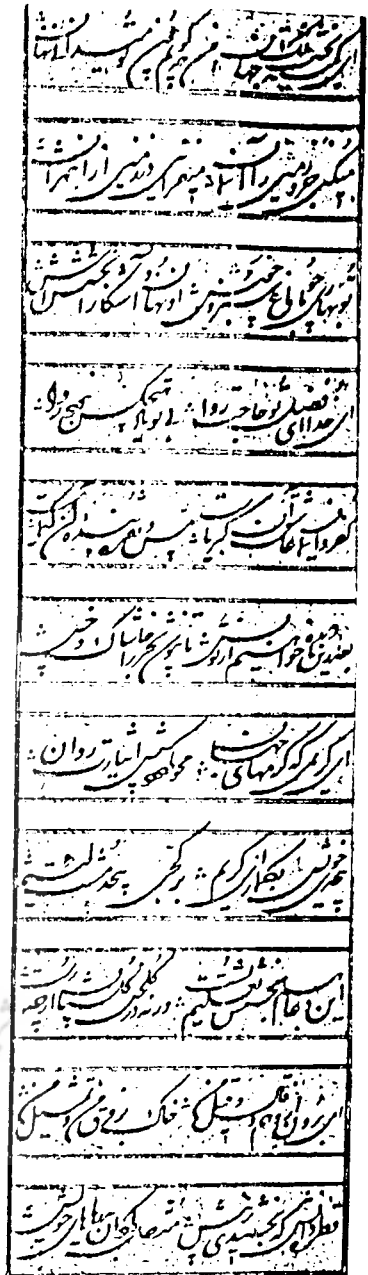
(۷) شمس قیس رازی، المعجم فی معاییر الاشعار العجم، به تصحیح مدرس

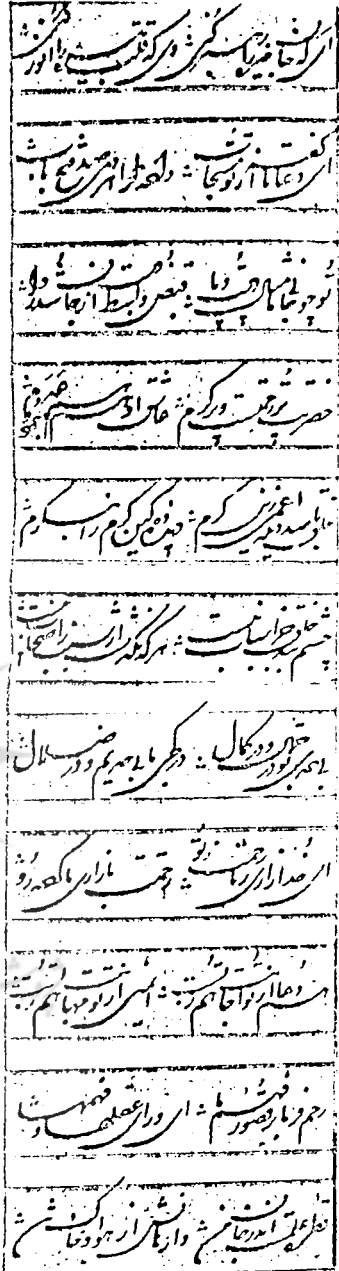
رضوی، زوّار، ۱۳۶۰ ص ۳۸۹

(۸) علامه شبلی نعمانی، شعر العجم، ج ۱ ص ۱۶۶

(۹) دیوان عبدالواسع جبلی، به تصحیح دکتر ذبیح ا... صفا، تهران ۱۳۳۹ ج ۲

ص ۶۳۹





(۱۰) مایل هروی، نجیب، بحر طویل کمال فارسی، مجله تحقیقات اسلامی، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، و یادنامه دکتر طاهری عراقی شماره پنج سال ۱۳۷۰

(۱۱) میکرو فیلم ش ۲۶۳، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

(۱۲) میکروفیلم ش ۱۲۱۲، بحر طویل فایز کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

(۱۳) دیوان منوچهری دامغانی، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران زوآر ۱۳۶۰

(۱۴) دیوان سنایی غزنوی، به تصحیح مدرس رضوی، تهران، ص ۴۸۹

(۱۵) دیوان فرصت شیرازی، به تصحیح محمدزین قلم، ص ۳۳۳

(۱۶) دیوان ناصر خسرو قبادیانی، مهدی محقق، ج ۱ ص ۵۴۷

(۱۷) جنتی عطایی، بررسی مجموع اشعار نیما، صفی علیشاه سال ۱۳۴۴ ص ۲۵۷

(۱۸) دستغیب، عبدالعلی، بررسی اجمالی شعر نو، مجله پیام نسوین سال دوم شماره ۸ ص ۱۷

(۱۹) رک بخش ۵ در مقاله حاضر «تفاوت بحر طویل با مسقط»

(۲۰) مرغسی، سیدعبدالعظیم، تاریخ رویان و طبرستان و سازندگان، به اهتمام برنهاردان ص ۵۰۶ به بعد

(۲۱) جنگ خطی ش ۳۵۲۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

(۲۲) دیوان رفعت سمنانی، به کوشش نوح سمنانی، ص ۱۰

(۲۳) جنگ خطی ش ۴۳۲۲، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

(۲۴) جنگ خطی ش ۵۹۹۵، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

(۲۵) دکایی بیضایی، نقداشعر، ص ۶۹

(۲۶) جنگ خطی ش ۲۴۶۵، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

(۲۷) جنگ خطی ش ۴۴۹۰، آستان قدس رضوی

(۲۸) محبوب محمد جعفر، سخنوری، مجله سخن شماره ۶ و ۷ و ۸ دوره نهم، شهریور و آذر ۱۳۳۷

(۲۹) حالت، ابوالقاسم، بحر طویل‌های هدهدمیزرا، تهران، ۱۳۶۷

(۳۰) جنگ خطی ش ۳۳۴۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

(۳۱) محیط طباطبایی، محمد، بحر طویل ساعی، مجله معارف، دوره پنجم شماره ۲ مرداد آبان ۱۳۶۷ ص ۸۱

(۳۲) دیوان طرزی افشار، به کوشش م. تمدن، ص ۱

(۳۳) جنگ خطی ش ۲۳۳ ادبیات، آستان قدس رضوی

(۳۴) جنگ خطی ش ۷۵۰۳/۱۴، کتابخانه دانشگاه تهران

(۳۵) جنگ خطی ش ۱۷۱۱، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

(۳۶) جنگ خطی شماره ۳۷۰۰، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

(۳۷) جنگ خطی شماره ۵۱۶۳/۱۵، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

(۳۸) دیوان نباتی قراچه داغی، ص ۱

(۳۹) جنگی خطی شماره ۴۶۶۶، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

(۴۰) دیوان صامت پروچردی، ص ۱

(۴۱) جنگ خطی شماره ۲۶۱۲، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

(۴۲) جنگ خطی شماره ۴۶۱۸، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

(۴۳) مجله روزگارانو، بحر طویل مجتبی مینویی، ج ۴ شماره ۲ لندن ۱۹۴۴ ص ۴۴

شادری با سیاه چشمان شاد

که جهان نیست خرفسانه و باد

ز آمده شادمان ببايد بود و ز گذشته نکرده بايد با

من و آن جبر موی غالیه بوی من و آن ماه موی حور

یکنجست آن کسی که داد و بخورد شور سخت آن کج او نه خورد و دونه

باد و ابراست این جهان فوس با ده پیش آره چه با باد

شاد بودست این جبهان کن هیچ کس تا از او تو باشی شاد

داد دیده ست از او به هیچ سبب

هیچ فرزانه تا تو بینی اد

سید

و منک می سه تن چار جوا

فوج شش ز مان بخورده و حفت

ت فلک سد گو که هشت تن از دل

ر ده ده بار در کج تو هفت

مرد مری آ ده زبان و نه رو

ت جهان هفت حرم کج تو گفت

شش نان پنج من چه پاره می گوشت

ن سه دو دارم کی فرست نهفته

انور سده ششم

عشق او باز اندر آوردم به بند

کوشش بسیار نامد سود

عشق در یای کرانه ناپدید کی توان کج دن شنا سمش

عشق را خواهی که تا پایان بس که بسپندید باید تا

زشت باید دید و انکارید خوب همنباید خورد و انکار

تو تنی کردم ز دستم بی

کز کشیدن بگفت کرد و

عشق

عشق

مدت خوانش مع

باغ بی برگ که می گوید که زیباست

باغ غلبه برگی

خنده اش خوبی است اسکا امیر

جاودان بر اسب یال نشان ز روش می چو در آن

پادشاه فصل ها

پایه

از آه تا ماه فاصلای است

که در هرتش

کاهن ان شب

به کف بینی نشسته اند

و آرزوهای معلق را

به ضیافت بادی بند

از آه تا ماه فاصلای است

که دل را

بردش نه های درد

و نگاه را

بر داس سرد ماه

از آه تا ماه

بسیح نیت

جند

آه

ماه

نگاه

جیل قیصری مع